

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال ششم، شماره (۱۶)، بهار ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۱۵

صص ۲۴ - ۱

## بررسی جامعه‌شناختی توسعه اقتصادی استان فارس پس از انقلاب اسلامی

عبدالعلی لهسایی زاده<sup>۱</sup>، محسن زهری<sup>۲</sup>

### چکیده:

بعد از انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین پیش‌نیاز جامعه برای رسیدن به هویت و آرمان‌های اساسی خویش، لزوم توسعه همه‌جانبه بود. از آنجایی که زیرساختار اساسی توسعه هر جامعه‌ای، توسعه اقتصادی آن است، لذا رسیدن به کمال توسعه اقتصادی در کشور بطور روزافزونی حس می‌شود. با عنایت به اینکه استان فارس یکی از پهناورترین و مستعدترین استان‌های کشور برای نیل به این هدف است، لزوم و گسترش توسعه اقتصادی در این استان بیش از پیش مد نظر مسئولان و کارشناسان امور اقتصادی و اجرایی قرار گرفت. بطور کلی، هدف از این مقاله این است که پس از ارائه یک تبیین تئوریک، روند ایدئولوژیک و

۱- lahsaei@rose.shirazu.ac.ir

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

استراتژیک توسعه اقتصادی استان فارس پس از انقلاب اسلامی را باروش اسنادی و با توجه به شاخص‌ها و اسناد موجود، مورد نقد و بررسی قرار داده و به فرصت‌ها و چالش‌ها و محدودیت‌های توسعه اقتصادی حاصل شده بپردازد و در نهایت، با ارائه راهکاری در پی اصلاح و بهبود توسعه اقتصادی استان گام بردارد.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه، توسعه اقتصادی، استان فارس.

## مقدمه

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بدون شک جامعه‌ی ایران نیز، از این قاعده مستثنا نیست. بدین منظور، قبل از انقلاب اسلامی، بعضاً حرکت‌های مقطعی و موردی در زمینه‌ی توسعه‌ی کشور صورت گرفت، اما از آنجاییکه با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی را نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت مز محل گردید.

از او ان انقلاب (۱۳۵۷) تا سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ (بعثت نوپایی نظام جمهوری اسلامی و همچنین جنگ تحمیلی) بخش عمده‌ای از ذخایر سرمایه‌ای کشور تخریب شد. بخش عمده‌ای از بودجه دولت و درآمدهای ارزی کشور برای تأمین نیازهای دفاعی به مصرف رسید و بویژه بخش قابل توجهی از مدیریت و نیروی انسانی کشور که باید اساساً در راستای توسعه کشور فعالیت نمایند، در خدمت جنگ گرفته و از بین رفته و یا از کار می‌افتند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس: ۱۳۷۱: ۲).

در سال ۱۳۶۸ و در چنین بستر اجتماعی فوق العاده حاد، بزرگ‌ترین پیش نیاز جامعه برای رسیدن با هویت و آرمانی‌های اساسی خویش، لزوم توسعه همه جانبه بود. از آنجایی که زیر ساختار اصلی هر توسعه‌ای را توسعه اقتصادی تشکیل می‌دهد، رسیدن به کمال توسعه اقتصادی بطور روزانه افزونی حس می‌شد. از طرفی دیگر، بدلیل عقب ماندگی بیش از حد کشور (در این ۱۰ سال) در عرصه‌های بین المللی و تقسیم کار جهانی و پدیده‌ی جهانی شدن و وضعیت پیرامونی قرار گرفتن کشور، نه تنها توسعه اقتصادی لازم و ضروری بود، بلکه فاکتور اساسی

دیگر بحث زمان و سرعت بود. بدین ترتیب، توسعه اقتصادی می‌بایست در پی تنظیم سیاست‌های عمومی مناسب، به منظور تأثیر بخشیدن در تحولات اساسی اقتصادی، نهادی و اجتماعی در کوتاه‌ترین زمان ممکن باشد (تودارو، ۱۳۷۰: ۵۶).

البته، باید یادآور شویم که فرایند توسعه مترادف با رشد اقتصادی نیست (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۵). رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. توسعه اقتصادی، عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۸).

بنابراین توسعه اقتصادی امری است دشوار و پیچیده که عوامل متعددی در ایجاد آن موثرند که عبارتند از؛ عوامل فرهنگی، نظام آموزشی، نظام اداری و مدیریت جامعه، نظام اقتصادی انباشت سرمایه و ثبات سیاسی اقتصادی و انسجام و قوام ملی و کاردانی و لیاقت مدیران در اداره جامعه برای فراهم آوردن زمینه مساعد برای بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات بخش خصوصی می‌باشد (طاهری، ۱۳۷۶: ۸۵). در مجموع می‌توان گفت توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود بطوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در جامعه در درجه‌ی اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوی مصرف جامعه خواهد بود (از کیا، ۱۳۸۱: ۱۸). توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی توسعه اقتصادی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

برای تحقق آرمان توسعه‌ی اقتصادی در کشور، استراتژی‌های مختلفی با عنوان‌های مختلف مانند سند چشم‌انداز برنامه‌ی ۵ ساله‌ی توسعه و غیره تدوین شد و بدین ترتیب برنامه اول

اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ تنظیم و ارائه گردید (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۱: ۱۴).

باعنایت به اینکه استان فارس یکی از پهناورترین و مستعدترین استان‌های کشور است، لزوم و گسترش توسعه اقتصادی در این استان بیش از پیش مد نظر مسئولین و کارشناسان امور اقتصادی و اجرایی قرار گرفت. بهمین منظور برنامه‌ی اول عمران در این استان به اجرا در آمده و در طول مدت پنج ساله ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ جمعاً مبلغی بالغ به ۳۲۱۳۸۷ میلیون ریال از سوی دولت به آن اختصاص داده شده است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۴: ۱۰).

بطور کلی هدف نگارندگان از طرح مقاله این است که پس از ارایه‌ی یک تبیین تئوریک، روند ایدئولوژیک و استراتژیک توسعه اقتصادی استان فارس پس از انقلاب اسلامی را، باتوجه به شاخص‌ها و اسناد موجود، مورد نقد و بررسی قرار داده، و به فرصت‌ها و چالش‌ها و محدودیت‌های توسعه اقتصادی حاصل شده پردازند.

از این رو برخی از سؤالاتی که پاسخگویی به آنها ضرورت انجام تحقیق را ایجاب می‌کنند، عبارتند از:

- آیا در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی استان فارس محدودیت‌ها و تنگناهای بستر آن (ویژگی‌های فرهنگی و قومی جمعیت، مهاجرت‌ها و جابجایی نیروی کار، و حجم و ساختار سنی- جنسی جمعیت در نقاط شهری و روستایی و بستر تاریخی استان فارس)، مد نظر قرار گرفته است؟

- آیا توسعه اقتصادی شکل گرفته در استان، (با توجه به موقعیت استراتژیک، ظرفیت‌ها و منابع خدادای و مواهب طبیعی)، بازده کافی را داشته است؟

- آیا روند متغیرهای اساسی توسعه، مانند فقر، بیکاری و نابرابری در این مدت تغییرات اساسی کرده و سیر نزولی و امیدوار کننده داشته‌اند؟

- و در نهایت اینکه آیا توسعه اقتصادی ملحوظ شده، توسعه‌ای پایدار بوده است؟

## مبانی نظری

در شکل‌گیری عوامل موثر بر توسعه اقتصادی، صاحب‌نظران بر فاکتورهای متعددی تأکید کرده‌اند. این عوامل را می‌توان در عوامل اصلی تولید موجود در جامعه (مانند؛ نیروی کار یا جمعیت، زمین یا منابع طبیعی، سرمایه) و یا بهبود سازمان و تکنولوژی که این عوامل به وسیله آنها بکار گرفته می‌شود، خلاصه نمود (ریچاردتی، ۱۳۶۶: ۵۱). اما اینکه این عوامل چگونه با هم تعامل دارند تا زمینه توسعه اقتصادی فراهم گردد، در قالب نظریات توسعه اقتصادی ارائه می‌گردند.

نظریه کلاسیک، محصول فکری مکتبی اقتصادی است که در اواخر قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ میلادی به وسیله اقتصاددانان صاحب نامی همچون آدام اسمیت، دیوید ریکاردو و توماس رابرت مالتوس پایه‌گذاری شده است. توجه اصلی اقتصاددانان کلاسیک، در ارتباط با عوامل تولید، به رشد و منابع طبیعی معطوف گشته است. نظریه کلاسیک، در ساده‌ترین شکل خود از دو قسمت تشکیل می‌شود:

۱- وقتی سطح زندگی افراد کشور از حداقل معیشت فراتر رود، افزایش جمعیت اجتناب‌ناپذیر است.

تا آنجا که به بحث اول نظریه مربوط می‌شود، مالتوس و ریکاردو، هر دو معتقدند که بهبود وضع اقتصادی، کاهش نرخ مرگ و میر و افزایش نرخ موالید را موجب خواهد شد. مالتوس معتقد بود با افزایش دستمزدها (فراتر از سطح حداقلی معیشت)، جمعیت افزایش می‌یابد، چون همراهی افزایش دستمزدها با افزایش میزان تولید، باعث فراوانی بیشتر مواد غذایی و کالاهای ضروری شده و بچه‌های بیشتری قادر به ادامه حیات خواهند بود. به اعتقاد او، وقتی دستمزدها افزایش می‌یابد و با فرض سیری‌ناپذیری امیال جنسی فقرا، می‌توان انتظار داشت که در صورت عدم وجود موانع، جمعیت طی هر نسل (هر ۲۵ سال یک‌بار) دو برابر گردد. به همین علت، علی‌رغم افزایش درآمدهای فقرا، همچنان طبقات فقیرتر جامعه، فقیر باقی می‌مانند. در مقابل رشد محصولات کشاورزی فقط به صورت تصاعد حسابی افزایش می‌یابد. بدین خاطر، ناکافی بودن تولید مواد غذایی باعث محدود شدن رشد جمعیت شده و بعضاً درآمد سرانه نیز به

سطحی کمتر از معیشت تنزل می‌یابد. تعادل وقتی بوجود می‌آید که نرخ رشد جمعیت، با افزایش میزان تولید همگام گردد.

۲- به علت محدود بودن زمین‌های کشاورزی، هر افزایشی در جمعیت موجب کاهش بازده کار آنان خواهد شد.

دومین فرضیه کلاسیک، در حقیقت همان بازده نزولی است (ریچاردتی، ۱۳۶۶: ۵۷). همزمان با رشد اقتصادی و جمعیتی، به دلیل افزایش نیاز به مواد غذایی و محصولات کشاورزی، کشاورزان مجبور خواهند شد زمین‌های دارای بهره‌وری پایین‌تر را نیز زیر کشت ببرند. از آنجاییکه بهره‌وری زمین‌های درجه ۲، ۳ و ۴ کمتر از زمین‌های درجه ۱ است، هزینه تولید در آنان افزایش می‌یابد. در نتیجه قیمت مواد غذایی افزایش یافته و بالتبع سود بادآورده‌ای (رانت) نصیب صاحبان زمین‌های درجه ۱ می‌گردد. مقدار این رانت در یافتی توسط صاحبان زمین، همگام با رشد جمعیت افزایش یافته و باعث کاهش درآمد کل جامعه (در دسترس کارگران و مهم‌تر از آن سود سرمایه‌گذاران) می‌شود. بنابراین، منافع صاحبان زمین در مقابل منافع دیگر طبقات جامعه قرار می‌گیرد. وقتی یک اقتصاد در حال رشد به حداکثر میزان درآمد سرانه دست می‌یابد پس از آن به دلیل افزایش مستمر قیمت مواد غذایی، درآمد سرانه کاهش خواهد یافت. نهایتاً اقتصاد به یک وضعیت ایستا یا تعادلی می‌رسد که در آن، کارگران صرفاً دستمزدهایی در سطح حداقل معیشت دریافت می‌کنند. همچنین، رشد اقتصادی در یک جامعه سرمایه‌داری در سایه وجود مواد غذایی ارزان قیمت (که به معنی پایین‌تر بودن دستمزدهای کارگران صنعتی و بالاتر رفتن سودهای سرمایه‌داران است) و در نتیجه افزایش امکان انباشت سرمایه در صنعت، تولید بیشتر و در نهایت افزایش درآمدهای اقتصادی کل، تحقق می‌یابد (ریچاردتی، ۱۳۶۶: ۵۷).

به هر حال، نظریه کلاسیک با چالش‌های فراوانی مواجه گردید، از جمله؛ نادیده گرفتن پیشرفت‌های فنی در تولید، نادیده گرفتن نقش اتحادیه‌های کارگری، عدم همخوانی با تجارب موجود کشورهای پیشرفته و نادیده گرفتن عوامل متعدد و پیچیده موثر بر توسعه اقتصادی (طاهری، ۱۳۷۶: ۹۱). به همین دلایل نظریات دیگری در تضاد یا تکامل آنها ظهور کردند.

کارل مارکس برخی از خصوصیات اصلی نظریه اقتصاددانان کلاسیک را در مورد رشد اقتصادی رد کرده و نظریه خود را در یک چارچوب اجتماعی-تاریخی که در آن نیروهای اقتصادی نقش عمده‌ای دارند، بیان می‌کند (طاهری، ۱۳۷۶: ۹۱). مارکس برخلاف اسمیت، مالتوس و ریکاردو، سرمایه‌داری را غیرقابل تغییر نمی‌دانست. او به سرمایه‌داری به عنوان یکی از شیوه‌های تولیدی که با کمون اولیه شروع شد، سپس وارد مرحله برده‌داری شد و پس از آن شیوه تولید فئودالیسم در جوامع حاکم گردید، می‌نگریست. او معتقد بود سرمایه‌داری مرحله چهارم از شیوه‌های تولیدی رایج در جهان است که نهایتاً فرومی‌پاشد (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰).

از نظر مارکس هر یک از شیوه‌های تولید (کمون اولیه، برده‌داری و فئودالیسم، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم) دارای دو مشخصه عمده نیروهای تولید و روابط تولید هستند. نیروهای تولید مربوط به ساختار فنی تولید (همچون سطح و نرخ تغییر فناوری، ابزارها و وسایل تولید، و منابع طبیعی) است درحالی‌که روابط تولید به شیوه‌های خاص روابط انسان‌ها در جریان تولید مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، روابط تولیدی به روابط اجتماعی میان افراد به‌ویژه رابطه فرد با ابزار تولید گفته می‌شود (همان: ۲۰).

مدل رشد و توسعه اقتصادی مارکس بر پایه چند قانون عمده زیر قرار دارد:

الف: قانون انباشت سرمایه که می‌گوید تمایل اصلی سرمایه‌داران، انباشت بیشتر و سود بیشتر سرمایه است.

ب: قانون گرایش نرخ سود به کاهش که نقش اساسی در سقوط مستقیم سرمایه‌داری دارد.

ج: قانون افزایش متمرکز و تراکم سرمایه که منجر به از بین رفتن بنگاه‌های کوچک توسط بنگاه بزرگتر و رشد قدرت‌های انحصاری در راه اقتصاد می‌شود.

د: قانون افزایش تعداد فقرا (طاهری، ۱۳۷۶: ۹۲).

اما به اعتقاد نیل اسملسر، توسعه اقتصادی ناشی از چهار حالت زیر است:

۱- در زمینه تکنولوژی؛ جامعه در حال توسعه جامعه‌ای است که از وضع ساده و قدیمی تکنیک به طرف کاربرد دانش علمی پیش می‌رود.

۲- در زمینه کشاورزی؛ جامعه در حال توسعه جامعه‌ای است که از زراعت در حد معیشت به طرف تولید محصولات کشاورزی برای تجارت پیش می‌رود.

۳- در زمینه صنعت؛ جامعه در حال توسعه جامعه‌ای است که از حالت استفاده از بازوی انسان و نیروی حیوان به جانب صنعت یعنی استفاده از کارگران مزدبدر در کنار ماشین‌هایی که با سوخت به حرکت در می‌آیند، می‌رود.

۴- از نظر بوم‌شناسی؛ جامعه در حال توسعه جامعه‌ای است که از حالت دهات و مزارع به طرف توسعه شهرها و اجتماعات شهری در حرکت است.

به عقیده اسملسر، یک جامعه توسعه نیافته برای رسیدن به حالت توسعه اقتصادی دو حالت کلی زیر را طی می‌کند:

الف: تفکیک کارکردی عناصر ساختی با تخصصی شدن استقلال واحدهای اجتماعی پدید می‌آید.

ب: یک جریان هماهنگی کارکردی عناصر ساختی پدید می‌آید که به موجب آن تمام این ساخت‌های تفکیک شده بر اساس شالوده‌ی جدیدی با هم متحد می‌شوند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۴۱ و ۴۲).

مشهورترین مدل توسعه‌ای که حداقل بطور تلویحی جریان انتقال نیروی کار از روستا به شهر را جهت توسعه اقتصادی مورد توجه قرار داده است، توسط آرتور لوئیس ابداع شد که بعداً توسط جان فی و گوستاو رانیس تعدیل، تدوین و بسط داده شد. مدل دو بخشی لوئیس در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ به عنوان نظریه عمومی فرآیند توسعه نیروی کار مازاد ملت‌های جهان سوم که نیروی کار اضافی داشتند، شد (تودارو، ۱۳۷۰: ۳۸۴) که به نظریه عرضه نامحدود نیروی کار (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۱۶) یا نظریه کار اضافی (ریچاردتی، ۱۳۶۶: ۹۱) معروف گشت.

در این مدل، اقتصاد شامل دو بخش است: اول، بخش معیشتی روستایی سنتی که مشخصه آن بهره‌وری بسیار پایین (حتی در حد صفر) و مازاد نیروی کار است. دوم، بخش صنعتی شهری، که دارای بهره‌وری بالایی است و به تدریج از بخش روستایی، نیروی کار جذب آن می‌گردد. این مدل بر روی فرآیند انتقال نیروی کار و رشد اشتغال در بخش صنعتی (مدرن)



متمرکز می‌شود که ناشی از گسترش و رشد تولید در آن است. سرعت این انتقال، وابسته به نرخ تراکم سرمایه صنعتی در بخش مدرن است. نرخ تراکم سرمایه نیز، به نوبه خود، وابسته به مازاد سودهای حاصل شده در بخش مدرن (پس از کسر دستمزدها) است. فرض‌های اساسی این نظریه اینست که سرمایه‌داران تمامی سودهای حاصله را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌نمایند و سطح دستمزدها در بخش شهری ثابت بوده و مقداری (حدود ۳۰ درصد) بالاتر از مناطق سنتی روستایی است. با این وجود، عرضه نیروی کار به مناطق شهری (علیرغم سطح ثابت دستمزدهای شهری) کاملاً کشش‌پذیر و باجاذبه محسوب می‌شود. جریان فوق تا جایی ادامه پیدا می‌کند که همه نیروی کار مازاد بخش سنتی (روستایی) جذب بخش مدرن شهری شوند. از آن به بعد، منحنی عرضه نیروی کار شیب مثبت خواهد داشت، به این معنی که اشتغال و دستمزد شهری با یکدیگر رشد خواهند کرد. انتقال ساختاری اقتصاد با ایجاد تعادل در جابجایی فعالیت‌های اقتصادی از بخش کشاورزی روستایی به صنعت شهری اتفاق خواهد افتاد (تودارو، ۱۳۷۰: ۳۸۵).

اما روستو، به جای تقسیم‌بندی دو گانه جوامع، و بر مبنای بررسی تجربه صنعتی شدن انگلستان، بر زنجیره‌ای از مراحل توسعه تاکید می‌ورزد که باعث گذار از مرحله جامعه سنتی به جامعه صنعتی می‌شود. او معتقد است رشد اقتصادی وی صرفاً دارای جنبه اقتصادی نیست بلکه حاصل تحولات اجتماعی است. این پنج مرحله عبارتند از:

(۱) جامعه سنتی (Traditional Society)؛ (۲) شرایط قبل از خیز اقتصادی (Pre-Take off Conditions)؛ (۳) مرحله خیز اقتصادی (Take-Off)؛ (۴) مرحله بلوغ؛ (۵) مرحله مصرف توده‌وار.

او تصریح می‌دارد که رشد اقتصادی پایدار نیازمند انباشت سرمایه و وجود روحیه کارآفرینی در جامعه است از نظر وی مرحله خیز به مانند نقطه عطف مراحل رشد و توسعه عنوان شده است (لهسای زاده، ۱۳۸۰: ۳۸).

با توجه به موقعیت استراتژیک، ظرفیت‌ها و منابع خدادادی و مواهب طبیعی، ویژگی‌های فرهنگی و قومی جمعیت، مهاجرت‌ها و جابجایی نیروی کار، و حجم و ساختار سنی - جنسی جمعیت در نقاط شهری و روستایی و بستر تاریخی استان فارس، نظریه‌ای که تا حدودی بتواند

یک تبیین جامعی از روند توسعه اقتصادی استان فارس ارائه دهد وجود ندارد، ولی ترکیبی از دو نظریه می‌تواند مفید فایده قرار بگیرد، و ما را در این پژوهش یاری نماید. آنچه که در این کاوش بعنوان نظریه‌ی منتخب قرار گرفته، معجونی از تئوری‌های روستو و مدل توسعه لوئیس-فی-رانیس (L-F-R) می‌باشد.

الگوی چندمرحله‌ای روستو که بر زنجیره‌ای از مراحل توسعه تاکید می‌ورزد که باعث گذار از مرحله جامعه سنتی به جامعه صنعتی می‌شود، به نظر می‌رسد که تا حدودی با استراتژی‌های مختلف مانند سند چشم انداز برنامه‌ی ۵ ساله توسعه، همگونی کاملی را داشته و به زعم بعضی از کارشناسان و دکترین‌های توسعه، توسعه اقتصادی جامعه ما نسخه‌ای برگرفته از این الگو است. این مدل بطور عام می‌تواند، تحولات صورت گرفته در استان فارس را مورد تبیین و واکاوی قرار دهد.

ولی تئوری که می‌تواند بطور اخص، توسعه اقتصادی استان را مورد مذاقه قرار بدهد، مدل توسعه لوئیس-فی-رانیس (L-F-R) است. مهم‌ترین فاکتور اساسی این نظریه فرآیند مهاجرت از روستا به شهر می‌باشد، که با واقعیت‌های موجود استان همخوانی دارد. همان‌گونه که بعداً مشاهده خواهیم کرد، میزان مهاجرت و فرآیند انتقال نیروی کار و رشد اشتغال در بخش صنعتی (مدرن) در استان همواره سیر صعودی داشته است. روند تغییرات جمعیت شهری و روستایی نشان می‌دهد که میزان شهرنشینی از ۴۰/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ و در سال ۱۳۸۵ به ۶۱/۲ درصد افزایش یافته است که این خود بیانگر گرایش شدید به شهرنشینی و افزایش دامنه مهاجرت‌ها از روستا به شهر و گسترش محدوده قانونی شهری و انتقال نیروی کار و رشد اشتغال در بخش صنعتی (مدرن) است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس: ۱۳۷۱: ۱۶). در نهایت در این الگو، انتقال ساختاری اقتصاد با ایجاد تعادل در جابجایی فعالیت‌های اقتصادی از بخش کشاورزی روستایی به صنعت شهری اتفاق خواهد افتاد.

با ملاحظه مباحث تئوریک، در اینجا مجال این رسیده که واقعیت‌های موجود استان فارس را به گونه‌ی مطلوب‌تری بررسی کرده و با ارائه ترکیبی از انتزاع و تجربه، چشم‌های خود را جهت نقد و کاوش باز نگه داریم.

## توسعه اقتصادی استان فارس

بدون شک، استان فارس یکی از پنهان‌ترین و مستعدترین استان‌های ممکن جهت خلق توسعه اقتصادی کشور بوده است. نگاهی اجمالی به نماگرهای آماری کشور موید این نکته است. استان فارس ۷/۵٪ توزیع مساحت کشور را داراست و از این حیث ۵ استان کشور است. همچنین ۶/۳٪ توزیع جمعیتی کشور را استان فارس تحت پوشش خود قرار داده و بدین لحاظ نیز در رتبه‌ی ۵ کشور است. سهم استان در تولید ناخالص داخلی در سال (۱۳۸۰)، ۴/۳٪ و باز هم در جایگاه ۵ نسبت به دیگر استان‌ها قرار می‌گیرد (نماگر آماری ۱۳۸۲).

همچنین موقعیت استراتژیک و سوق الحیثی استان فارس را بعنوان کمر بند متصل جنوب به شمال معرفی کرده و این استان را در وضعیت فوق العاده قرار داده است. وجود تنوع آب و هوایی و اقلیم چهار فصلی این استان از دیگر مزیت‌های خاص آن است.

در اینجا ضرورت می‌یابد که به بررسی روند توسعه اقتصادی استان فارس بعد از انقلاب اسلامی بپردازیم. ما سعی می‌کنیم که این روند را با توجه به شاخص‌های توسعه اقتصادی موجود در ۴ برنامه توسعه و اکاوی و مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

شدت یافتن ابعاد جنگ تحمیلی، خروج مداوم و وسیع سرمایه‌های مالی و انسانی و کاهش درآمدهای ارزی کشور در طی سال‌های ۶۷-۱۳۶۴ باعث شده بود که وضعیت اقتصادی کشور، بسرعت بحرانی گردیده و روند تغییر بسیاری از متغیرهای کلان اقتصاد روند به وخامت گذارد که این خود تشدید جو عدم اعتماد در زمینه‌ی تشکیل سرمایه‌های خصوصی در امور تولیدی را نیز به همراه داشته است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس: ۱۳۷۱: ۳).

در همین ارتباط در فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ تولید ناخالص داخلی در کشور و استان بطور متوسط سالانه بترتیب ۷/۳٪ و ۴/۳٪ کاهش پیدا کرده که این وضعیت همراه بار شد بالای جمعیت، موجب کاهش بسیار چشمگیر در درآمد سرانه گردیده بود. همچنین در طی سه سال مذکور برآورد می‌شود که میزان سرمایه گذاری خصوصی در استان بطور متوسط ۱۱/۷٪ تنزل داشته است. بهر حال با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اجرای اولین برنامه‌ی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۶۸، بتدریج فضای حاکم بر اقتصاد کشور و به تبع آن بر اقتصاد استان دگرگون گردید. خاتمه یافتن جنگ تحمیلی، کاهش فشارهای ناشی از تحریم اقتصادی،

افزایش در آمدهای نفتی و استفاده از ظرفیت‌های خالی تولیدی از جمله عوامل موثر در ایجاد تحول اقتصادی بوده‌اند. تولید ناخالص داخلی که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود با شروع برنامه سیر صعودی پیدا کرده به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۷۱-۱۳۶۸ نرخ رشد متغیر مذکور بطور متوسط حدود ۹/۲٪ برآورد شده است (همان: ۴).

در ارتباط با تولید سرانه استان (بعنوان یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اقتصادی) نیز می‌توان گفت که رقم این شاخص از ۱۴۹ هزار ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۶۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۱، افزایش یافته است که این گویای افزایش معادل ۱۱ درصد تولید سرانه استان طی سال‌های مذکور می‌باشد (همان: ۴).

بطور کلی توسعه اقتصادی هر بستری با توجه به چند متغیر کلان در نظر گرفته می‌شود. بعبارت دیگر شناخت کافی اینگونه متغیرها می‌تواند ما در ارائه‌ی تئوری از توسعه اقتصادی حاصل شده‌ی آن بستر کمک شایانی بکند. در اینجا ما با عنایت به این متغیرها توسعه اقتصادی استان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

جمعیت از جمله اولین متغیرهای کلانی است که می‌تواند اثرات مستقیم و غیر مستقیمی را بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی یک منطقه داشته باشد.

در سرشماری سال ۱۳۴۵ جمعیت استان نزدیک به ۱۴۴۰ هزار نفر بوده است که با رشدی سریع رو به افزایش در مدت ۴۰ سال بیش از ۳ برابر شده است، به طوری که در سال ۱۳۸۵ این رقم به ۴۳۳۷ هزار نفر رسیده است. از لحاظ ساخت سنی، جمعیت استان فارس نیز همانند سایر نقاط کشور همواره دارای بافتی جوان بوده است و نسبت تعداد افراد کمتر از ۱۵ سال به کل جمعیت هیچگاه کمتر از ۴۵ درصد نگردیده و معمولاً نیز سیر صعودی داشته است. ولی بطور کلی در سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ از جمعیت جوان استان کاسته شده و در مقابل سهم سالخوردگان افزایش یافته است (سرشماری: ۱۳۸۵).

در مورد شناخت جنسی جمعیت استان باید گفت که از کل جمعیت استان، سهم جمعیت مردان همواره پیش از زنان بوده است و سهم مردان از کل جمعیت در سال ۱۳۵۵ (۵۱/۴) درصد، در سال ۱۳۶۵ (۵۱/۲) و در سال ۱۳۷۰ نیز (۵۱/۵) درصد رسیده است. مقدار نسبت

جنسی در سال ۱۳۴۵ (۱۰۷) درصد بوده که این نسبت در سال ۱۳۸۵ به پایین‌ترین میزان خود یعنی (۱۰۳) درصد رسیده است. همچنین روند تغییرات جمعیت شهری و روستایی نشان می‌دهد که میزان شهرنشینی از ۴۰/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ و در سال ۱۳۸۵ به ۶۱/۲ درصد افزایش یافته است که این خود بیانگر گرایش شدید به شهرنشینی و افزایش دامنه مهاجرت‌ها از روستا به شهر و گسترش محدوده‌ی قانونی شهری است (سرشماری: ۱۳۸۵).

طی سال‌های ۱۳۴۵-۸۵ خانوارهای استان از ۲۸۸ هزار خانوار به ۱۰۲۳ هزار خانوار رسیده است. طی این مدت تعداد خانوارهای شهری بیش از ۵/۷ برابر شده است درحالی‌که تعداد خانوارهای روستایی ۲/۲ برابر شده است. در طی سال‌های مذکور بعد خانوار در استان با کاهش روبرو بوده است. همچنین توزیع فضایی جمعیت و تراکم سنی استان همواره بصورتی ناهماهنگ و ناموزن بوده است. ضریب بار تکفل نیز در سال ۱۳۵۵ در استان برابر با ۴ نفر بود. که این ضریب در سال ۱۳۶۵ به ۴/۸ نفر افزایش یافته ولی در سال ۱۳۷۰ با اجرای برخی سیاست‌های کنترلی جمعیتی و بهبود نسبی وضعیت اشتغال در استان تا حدودی کاهش یافته و به ۴/۶ نفر رسیده است (سرشماری: ۱۳۸۵).

از داده‌های جمعیت‌شناختی اینگونه بر می‌آید که، از یک طرف ویژگی‌های جمعیت استان پس از انقلاب، بستر چندان مساعدی را جهت استراتژی‌های توسعه اقتصادی فراهم نکرده، و از طرف دیگر برنامه‌های مورد نظر جهت رسیدن به این آرمان، اینگونه مختصات جمعیتی را در نظر نگرفته‌اند. رشد سرسام‌آور جمعیت، افزایش نسبت افراد کمتر از ۱۵ سال به کل جمعیت، نسبت جنسی بالا، روند تغییرات جمعیت شهری و روستایی، زیاد بودن بعد خانوار و بالا بودن ضریب بار تکفل، ناموزونی توزیع فضایی جمعیت نشانگر بستر نامساعد این استان بوده است. البته در حال حاضر اجرای برخی سیاست‌های کنترلی جمعیتی امیدوار کننده بوده و زمینه اجرای استراتژی‌های توسعه اقتصادی بهتر شده است.

در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ نرخ بیسوادی از ۳۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته ولی باز هم میزان این نرخ بیسوادی بالا است. در سال ۱۳۶۵ اختلاف نرخ باسوادی جمعیت شهرنشین و روستانشین ۲۱/۴ بوده، که این اختلاف ضمن آنکه بیانگر

کمبود تاسیسات آموزشی در روستاهای استان است، کم توجهی به مسأله بیسوادی روستائینان رانشان می‌دهد. اختلاف نرخ باسوادی در جمعیت شهرنشین و روستائین در سال ۱۳۶۵ در مردان ۱۵/۸ است که در سال ۱۳۸۵ به ۶/۷ کاهش و در زنان از ۲۶/۱ در سال ۱۳۶۵ به ۱۰/۵ در صد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۴: ۲۴۷).

همان گونه که قبلاً ذکر گردید، یکی از اهداف اولیه توسعه اقتصادی، کاهش نابرابری است. نرخ بیسوادی یکی از شاخص‌های نشان دهنده میزان نابرابری میان طبقات و اقشار مختلف درون یک جامعه واحد است. در استان فارس اختلاف بالای نرخ بیسوادی در جمعیت شهرنشین و روستائین، نمایانگر میزان نابرابری است. همچنین اختلاف نرخ بیسوادی در میان زنان و مردان روستایی نیز بر این شبحه صحنه می‌گذارد. البته باید یادآور شد که روند نابرابری روبه کاهش است.

ترکیب سه بخش عمده‌ی اقتصادی (کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) نیز از جمله متغیرهای کلانی است که می‌تواند اثراتی را بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه داشته باشد که این شاخص در تشکیل تولید ناخالص داخلی استان در طول برنامه اول تغییر چندانی نداشته و تقریباً همانند گذشته بوده است، به عبارت دیگر بخش خدمات در این دوره همچون گذشته بیشترین سهم و بخش صنعت و معدن کمترین سهم را در تولید ناخالص داخلی استان داشته‌اند. در همین رابطه بایستی گفت که سهم بخش خدمات طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۸، ۴۸/۲٪، سهم بخش صنعت و معدن ۲۱/۳٪ و سهم بخش کشاورزی ۲۹/۴٪ بطور متوسط بوده است.

لازم به ذکر است که از جمله اهداف برنامه‌ی اول، کاهش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی استان بوده است، لکن در این مورد به نظر می‌رسد که موفقیت چندان حاصل نشده است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۴: ۶).

جدول زیر نشان دهنده ترکیب ۴ بخش عمده‌ی اقتصادی در تشکیل تولید ناخالص داخلی استان در سال ۱۳۸۵، است. مقایسه ارقام سال ۸۵ با ارقام موجود در طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۸ مؤید این نکته است که همچنان سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی استان یکه تازی می‌کند و کلیه برنامه‌های مرتبط با کاهش سهم این بخش در ناخالص داخلی استان ناموفق بوده

است. بطور کلی می‌توان گفت استراتژی‌های توسعه‌ی اقتصادی استان ناکارآمد بوده، و حتی ضعیفتر از گذشته عمل کرده است، زیرا نه تنها سهم خدمات کاهش نیافته بلکه تا حدودی افزایش یافته است. همچنین با مشاهده این ارقام می‌فهمیم که از ارزش بخش‌های صنعت و کشاورزی کاسته شده و سبب پیدایش بخش ساختمان در تولید ناخالص داخلی استان شده است.

**جدول شماره ۱- محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار و ارزش افزوده در بخشهای عمده اقتصادی استان: ۱۳۸۵**  
**میلیارد ریال-درصد**

شرح فعالیت	ستانده	مصرف واسطه	ارزش افزوده	سهم ارزش افزوده در GDP
کشاورزی و ماهیگیری	۲۶۴۳۱/۵	۱۰۰۰۲/۳	۱۶۴۲۹/۲	۱۶/۶۶
صنعت و معدن	۳۳۱۱۱/۱	۱۸۷۴۶/۶	۱۴۳۶۴/۵	۱۴/۵۷
تامین آب و برق و گاز و ساختمان	۲۶۲۵۲/۵	۱۳۵۷۰/۳	۱۲۶۸۲/۲	۱۲/۸۶
خدمات	۶۸۴۹۴/۱	۱۳۳۶۹/۵	۵۵۱۲۴/۶	۵۵/۹۱
جمع	۱۵۴۲۸۹/۲	۵۵۶۸۸/۷	۹۸۶۰۰/۵	۱۰۰/۰۰
خالص مالیات بر واردات			-۳۴۱/۱	۰۰۰
محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار			۹۸۲۵۹/۴	۰۰۰

ماخذ- مرکز آمار ایران. (ر.پ) (۱۳۸۵)

اگر از دیدگاه هزینه به تولید ناخالص نظر بیافکنیم به سه متغیر کلان اقتصادی شامل هزینه مصرف خصوصی، سرمایه گذاری خصوصی و مخارج دولت بر می‌خوریم که تغییر هر یک از متغیرهای مذکور اثر بسزایی بر تولید ناخالص داخلی و به تبع آن بر کل اقتصاد جامعه بر جای خواهد گذاشت. بهر حال یافته‌های نشان می‌دهند که در مجموع سال‌های اجرای برنامه هزینه مصرف خصوصی، سرمایه گذاری خصوصی و مخارج دولت به ترتیب ۸/۸، ۱۲/۴، ۳/۹ درصد رشد داشته‌اند (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۴: ۶).

تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۶۵، ۱۵۶۸۷ کارگاه صنعتی در سطح استان فارس بوده که ۴/۷ درصد کارگاه‌های صنعتی کشور را تشکیل می‌دهد که سهم فعالیت استان در کل سیستم صنعتی کشور بسیار پایین است.

تعداد معادن در سال ۱۳۷۰، ۱۰۶ معدن در قالب ۱۹۰ کارگاه در سطح استان است. مقدار تولید مواد مختلف معدنی ۴۴۰۰ هزار تن بوده است که نسبت به سال ۱۳۶۴ که معادل ۲۸۲۵ هزار تن بوده است رشد سالانه این معادل ۹/۳ درصد داشته است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۴: ۱۵۸).

### جدول شماره ۲- میزان سرمایه‌گذاری کارگاه‌های صنعتی بر اساس پروانه‌های بهره‌برداری صادر شده توسط سازمان

واحد: میلیون ریال			صنایع و معادن برحسب نوع فعالیت
۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	
۲۶۷۸۹۰۵	۲۸۲۹۵۹۱	۳۹۵۶۲۸	جمع
۴۶۶۶۴۹	۵۰۸۳۵۵	۱۳۵۴۵۴	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی
۰	۰	۰	تولید محصولات از توتون و تنباکو-سیگار
۳۳۵۲۱	۷۰۴۰۸	۱۹۴۶	تولید منسوجات
۳۱۴	۱۶۱۷	۱۱۸۳	تولید پوشاک و عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار
۰	۰	۰	دباغی و عمل آوردن چرم ساخت کیف چمدان زین و یراق و تولید کفش
۱۹۶۱۶	۶۲۰۷	۹۰۴۴	تولید چوب و محصولات چوبی و چوب پنبه (غیر مبلمان) و ساخت کالا از نی و مواد حصیری
۷۰۹۲	۳۰۹۴۳	۱۸۶۰	تولید کاغذ و محصولات کاغذی
۲۶۵۴	۰	۹۰۵	انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده
۸۰۳۴۵	۱۶۸۶۰	۵۴۵۰	صنایع تولید ذغال کک پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای
۴۷۹۹۷	۱۱۰۰۰۲	۷۲۶۸	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی
۱۷۰۶۰۹	۶۱۱۰۳	۲۷۸۵۰	تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۱۲۸۳۲۰۸	۳۰۴۵۰۹	۱۳۳۷۱۲	تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی
۳۶۷۹۲	۹۸۵۰۰	۱۲۰	تولید فلزات اساسی
۸۳۹۷۵	۸۸۶۳۶	۲۴۶۲۴	تولید محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات
۳۴۷۸۵	۸۴۵۵۲۳	۲۵۸۳۲	تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر



۹۱۷۲۹	۳۱۷۸	۳۳۲۵	تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی
۲۵۹۰۰۰	۲۹۰۰	۴۶۹۴	تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاههای برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر
۲۹۰۰۵	۶۵۹۵۷۰	۴۰	تولید رادیو و تلویزیون و دستگاهها و وسایل ارتباطی
۵۰۰	۱۲۰	۶۸۶	تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق و ساعت‌های مچی انواع دیگر ساعت
۲۶۲۵	۱۱۷۱۵	۱۵۴۱	تولید وسایل نقلیه موتوری تریلر و نیم تریلر
۹۷۰۲	۳۰۶۶	۷۱۳۸	تولید وسایل حمل و نقل
۱۷۰۴۷	۵۷۲۳	۲۹۵۶	تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر
۱۷۴۰	۶۵۶	۰	باز یافت

**ادامه جدول شماره ۲- میزان سرمایه گذاری کارگاه‌های صنعتی بر اساس پروانه های بهره برداری صادر شده توسط سازمان صنایع و معادن بر حسب نوع فعالیت**

۱۳۸۶	۱۳۸۵	فعالیت
۵۴۰۸۳۴۹	۱۸۷۵۵۱۴	جمع
۸۱۳۴۲۳	۲۹۶۴۰۱	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی
۰	۰	تولید محصولات از توتون و تنباکو-سیگار
۱۷۱۲۹	۱۱۰۸۰۸	تولید منسوجات
۶۳۲۵۰	۳۸۰	تولید پوشاک و عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار
۰	۰	دباغی و عمل آوردن چرم ساخت کیف چمدان زین و یراق و تولید کفش
۵۳۶۹۰	۲۸۸۵	تولید چوب و محصولات چوبی و چوب پنبه(غیر مبلمان) و ساخت کالاهای از نی و مواد حصیری
۳۱۹۰۷	۷۹۶۳۸	تولید کاغذ و محصولات کاغذی
۰	۱۸۵۰	انتشار و چاپ و تکثیر رسانه های ضبط شده
۹۶۸۳	۴۱۴۲	صنایع تولید ذغال کک پالایشگاههای نفت و سوختهای هسته ای
۳۲۵۶۹۶۱	۳۷۴۶۹	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی
۴۱۶۸۱۲	۲۴۱۲۹۸	تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۳۵۱۹۳۸	۷۵۲۲۶۸	تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی
۵۰۱۲	۵۶۷۹۳	تولید فلزات اساسی
۱۵۹۵۶۲	۷۳۴۴۶	تولید محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین آلات و تجهیزات

۷۵۵۹۲	۸۱۵۶۸	تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر
۰	۴۴۵۰۰	تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی
۸۲۳۰۸	۹۰۶۸	تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاههای برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر
۱۳۳۴۵	۵۱۸۶۷	تولید رادیو و تلویزیون و دستگاهها و وسایل ارتباطی
۳۴۸۰	۱۴۳۶۹	تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق و ساعت‌های مچی انواع دیگر ساعت
۱۲۹۹۳	۳۱۸۹	تولید وسایل نقلیه موتوری تریلر و نیم تریلر
۹۳۹۰	۰	تولید وسایل حمل و نقل
۲۹۲۸۴	۱۳۵۷۵	تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر
۲۵۹۰	۰	باز یافت

ماخذ- سازمان صنایع و معادن استان فارس (۱۳۸۶)

با توجه به جداول بالا، می‌بینیم که میزان سرمایه گذاری کارگاه‌های بزرگ صنعتی روند صعودی داشته، ولی در سال ۱۳۸۵ این روند کاهش و دوباره در سال ۱۳۸۶، افزایش یافته است. روند افزایش میزان سرمایه گذاری کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۸۶، چشمگیر بوده، و بیشتر آن را وامدار صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی است.

صادرات در بین سال‌های ۷۰-۱۳۶۸ نشان می‌دهد که میانگین افزایش سالانه‌ی وزنی کالاها ۴۵/۷ درصد افزایش یافته است عمده‌ی صادرات مربوط به محصولات کشاورزی بوده است.

### جدول شماره ۳- مقدار و ارزش صادرات انواع کالا از گمرک‌های استان واحد:تن/میلیون ریال

ارزش	مقدار	سال
۸۸۷۸	۴۳۹۷	۱۳۷۰
۲۸۹۰۲	۶۴۳۵	۱۳۷۵
۲۸۳۴۵۱	۲۳۴۸۱	۱۳۸۱
۳۲۹۷۲۶	۳۸۱۶۶	۱۳۸۲
۳۵۳۱۴۹	۳۳۶۲۲	۱۳۸۳
۳۹۶۰۵۶	۵۰۴۲۰	۱۳۸۴
۵۴۷۳۰۵	۶۶۷۶۴	۱۳۸۵

ماخذ- اداره کل گمرک استان فارس (۱۳۸۶)

در سال ۱۳۷۰ میزان واردات ۱۰۳۵۰ تن بوده است و دلیل این افزایش، مجاز شدن واردات بخش عظیمی از کالاهای صنعتی و مصروفی بدون اشتغال از سوی دولت بوده است (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۴: ۴۲۶).

### جدول شماره ۴- مقدار و ارزش واردات انواع کالا از گمرک‌های استان واحد: تن/میلیون ریال

سال	مقدار	ارزش
۱۳۷۰	۱۲۲۴۳	۱۴۷۵۰
۱۳۷۵	۱۲۹۸	۱۰۵۰۶۱
۱۳۸۲	۶۳۸۱	۷۹۳۲۷۹
۱۳۸۳	۸۴۸۱	۱۰۴۲۹۶۲
۱۳۸۴	۴۳۲۰	۷۷۶۰۳۳
۱۳۸۵	۷۳۲۱	۸۸۸۹۱۹
۱۳۸۶	۱۳۸۹۹	۱۱۹۲۴۶۹

ماخذ- اداره کل گمرک استان فارس (۱۳۸۶)

افزایش روند صادرات و کاهش واردات می‌تواند شاخص بارزی در توسعه اقتصادی باشد. با مقایسه جداول مقدار و ارزش صادرات و واردات این متغیر را می‌سنجیم تا میزان سیر توسعه اقتصادی استان فارس را مشاهده کنیم. به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۵ مقدار صادرات ۶۶۷۶۴ تن بوده، و مقدار واردات در همان سال ۷۳۲۱ تن بوده است. همان گونه که می‌بینیم مقدار صادرات بسیار بیشتر از واردات می‌باشد و این میزان تفاوت، امیدوارکننده است. ولی با مشاهده ارزش آنها دیدگاه ما بطور اساسی فرق خواهد کرد. در همان سال میزان ارزش صادرات استان ۵۴۷۳۰۵ میلیون ریال است که این میزان، از ارزش واردات همان سال (۸۸۸۹۱۹) کمتر است. از آنجایی که در این تحلیل رقم مقدار حالت کمی و میزان ارزش حالت کیفی دارد و بخاطر اینکه توسعه اقتصادی (ویژگی کیفی دارد) مدنظر ماست، بنابراین میزان ارزش کالاها می‌تواند مفید فایده قرار بگیرد. میزان ارزش واردات کالاهای استان در سال ۱۳۸۵، بیشتر از میزان

ارزش صادرات آن است، بنابراین اگر نخواهیم بگویم توسعه‌ای حاصل نشده، باید بگویم برنامه‌های توسعه اقتصادی صورت گرفته در استان بسیار ضعیف نشان داده‌اند. نگاهی اجمالی به متوسط تولید انواع فرآورده‌های نفتی نیز می‌اندازیم. بطور متوسط روند میزان تولید انواع فرآورده‌های نفتی از سال ۱۳۶۵، تا سال ۱۳۸۶ صعودی و امیدوارکننده بوده است. ولی از آنجاییکه اینگونه تولیدات، باعث هدر دادن ذخایر زیرزمینی و منابع خدادادی است، و این منابع پایان پذیر و در حال اتمام است، اکتفا و افزایش اینگونه تولیدات چندان در توسعه اقتصادی خوشایند نیست، زیرا باعث نابودی این ذخایر و عدم ذخیره کافی برای نسل‌های بعدی است، و توسعه پایدار محسوب نمی‌شود. بطور کلی توسعه اقتصادی با استفاده از فرآورده‌های نفتی، توسعه‌ای هدفدار و منطقی نمی‌باشد و از مشخصات اصلی فرمایش‌های جهان سوم است.

جدول شماره ۵- متوسط تولید انواع فرآورده‌های نفتی در پالایشگاه شیراز

سال و فرآورده	مقدار (مترمکعب در روز)
۱۳۶۵	۵۸۰۸
۱۳۷۰	۶۱۴۵
۱۳۷۵	۶۵۱۰
۱۳۸۲ (۱)	۸۳۴۱
۱۳۸۳ (۱)	۷۸۰۳
۱۳۸۴	۸۱۱۴
۱۳۸۵	۹۱۵۵
۱۳۸۶	۹۰۰۰

(۱). MTBE که در بنزین موتور تولیدی از سال ۱۳۸۰ به بعد منظور شده، در سرجمع به حساب نیامده

است.

ماخذ- مرکز آمار ایران (ر.پ) (۱۳۸۶)

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود بطوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در جامعه در درجه‌ی اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوی مصرف جامعه خواهد بود. توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی توسعه اقتصادی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

برای تحقق آرمان توسعه‌ی اقتصادی در کشور، استراتژی‌های مختلفی با عنوان‌های مختلف مانند سند چشم‌انداز برنامه‌ی ۵ ساله توسعه و غیره تدوین شد. با عنایت به اینکه استان فارس یکی از پهناورترین و مستعدترین استان‌های کشور است، لزوم و گسترش توسعه‌ی اقتصادی در این استان بیش از پیش مدنظر مسئولین و کارشناسان امور اقتصادی و اجرایی قرار گرفت. بطور کلی ما پس از ارائه‌ی یک تبیین تیوریکی، روند ایدیولوژیک و استراتژیک توسعه اقتصادی استان فارس پس از انقلاب اسلامی را، با توجه به شاخص‌ها و اسناد موجود، مورد نقد و بررسی قرار دادیم، و با توجه به اهداف و سوالات تحقیق، به نتایج زیر در توسعه‌ی اقتصادی حاصل شده رسیدیم:

۱) از لحاظ نظری، مدلی که می‌توانست بستر استان فارس را بخوبی مورد تبیین قرار دهد، معجونی از تئوری‌های روستو و مدل توسعه لوئیس-فی-رانیس (L-F-R) است.

۲) از داده‌های جمعیت‌شناختی اینگونه بر می‌آید که، از یک طرف ویژگی‌های جمعیت استان پس از انقلاب، بستر چندان مساعدی را جهت استراتژی‌های توسعه اقتصادی فراهم نکرده، و از طرف دیگر برنامه‌های مورد نظر جهت رسیدن به این آرمان، اینگونه مختصات جمعیتی را در نظر نگرفته‌اند. بطور کلی در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های توسعه‌ی اقتصادی استان فارس محدودیت‌ها و تنگناهای بستر آن مدنظر قرار نگرفته است.

۳) اختلاف بالای نرخ بیسوادی در جمعیت شهرنشین و روستائین، نمایانگر میزان نابرابری است. همچنین اختلاف نرخ بیسوادی در میان زنان و مردان روستایی نیز بر این شبیه صحه می‌گذارد. البته باید یادآور شد که روند نابرابری روبه کاهش است.

۴) کاهش سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی از جمله اهداف اساسی استراتژی‌های توسعه اقتصادی استان بوده است، لکن در این مورد به نظر می‌رسد که موفقیت چندان حاصل نشده است.

۵) توسعه اقتصادی استان تاحدودی با استفاده‌ی از فرآورده‌های نفتی و منابع طبیعی و زیرزمینی صورت گرفته است، که این نوع توسعه، توسعه‌ای هدفدار و منطقی و پایدار نمی‌باشد و از مشخصات اصلی فرم‌سیون‌های جهان سوم است.

۶) روند متغیرهای اساسی توسعه، مانند فقر، بیکاری در این مدت تغییرات اساسی نکرده و سیر نزولی و امیدوار کننده نداشته است، و فقط تاحدودی روند نابرابری کاهش یافته ولی ریشه کن نشده است.

۷) توسعه‌ی اقتصادی شکل گرفته در استان، (با توجه به موقعیت استراتژیک، ظرفیت‌ها و منابع خدادادی و مواهب طبیعی، نیروی انسانی عظیم و بستر تاریخی استان فارس)، بازده کافی را نداشته است.

۸) در مجموع باید بگوییم برنامه‌های توسعه اقتصادی صورت گرفته در استان بسیار کم‌رنگ نشان داده‌اند. از جمله موانع توسعه استان عبارتند از:

کمبود سرمایه‌گذاری، افزایش بی‌رویه‌ی بخش خدمات، بیکاری و فقر، وجود تکنولوژی‌های سنتی، مختصات نامناسب جمعیتی، مهاجرت روزافزون، فاصله‌ی طبقاتی، ناهمگونی جمعیت، کمبود آب.

۹). بطور خلاصه ویژگی اصلی توسعه اقتصادی استان را می‌توان در یک جمله این گونه بیان کرد:

توسعه صورت گرفته، توسعه‌ای محدود و ناموزون بوده، که با یک آمیختگی و همجواری بین شیوه‌های تولید سنتی و مدرن بوجود آمده است.

در نهایت پس از نقد استراتژی‌های موجود با ارائه راهکاری در جهت توسعه بهینه گام برمی‌داریم. ابتدا باید مسئله‌ی اقتصاد دویخشی را حل نماییم. راهکار مناسب این است که بتوانیم شیوه‌های تولید را یکسان‌سازیم، تا از معضل آمیختگی شیوه‌های تولیدی رهایی یابیم. در مرحله‌ی بعد ما باید بر راهبردهای متوالی و تفکر پیوستگی در فرایندهای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی تاکید ویژه‌ای داشته باشیم. کاربرد برنامه ریزی‌های کوتاه مدت و بدون تخصص نه تنها توسعه‌ای را در بر نخواهد داشت، بلکه خود مانع اصلی توسعه است. همچنین با توجه به پتانسیل و ظرفیت بستر استان در عرصه‌های کشاورزی، الگوهای توسعه باید در این زمینه و با تاکید بر افزایش بهره‌وری صورت گیرد. توسعه بر مبنای کشاورزی باید همگام با نظارت فزاینده بر محیط زیست انجام بگیرد. و در نهایت در تمامی خط‌مشی‌ها، باید الگوهای توسعه‌ی انسانی و پایدار، بعنوان هدفی اساسی مدنظر قرار بگیرد.

### منابع:

- اداره کل گمرک استان فارس (۱۳۸۶). اطلاعات آماری استان. موجود در سایت:  
<http://www.farscustoms.ir/amar.asp>
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
- بلانت، دان و مارک جکسون (۱۳۷۳). اقتصاد کار و نیروی انسانی، محسن رنایی، انتشارات فلاح‌ت ایران.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، دکتر غلامرضا فرجادی، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرحدی و پروین رئیسی فرد، تهران: انتشارات دفتر بین‌المللی کار.
- ریچاردتی، گیل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی: گذشته و حال، ترجمه محمود نبی‌زاده، تهران: نشر گستره.

- زاهدانی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
- سازمان صنایع و معادن استان فارس (۱۳۸۵). بانک‌های اطلاعاتی، موجود در سایت:  
<http://www.farscommerce.ir>
- سازمان برنامه و بودجه استان فارس (۱۳۷۱). برنامه دوم توسعه استان فارس (جمع بندی کمیته‌های تخصصی) برای ارائه به برنامه ریزی.
- سازمان برنامه و بودجه استان فارس (۱۳۷۴). عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در استان فارس.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس (۱۳۸۱). برنامه سوم - توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی استان فارس، ۷۹-۸۳، شماره ۲۳-۸۰.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی فارس (۱۳۸۵). برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان فارس، ۸۸-۱۳۸۴. ج سوم: امور تولیدی و زیر بنایی.
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۲). اقتصاد توسعه، انتشارات موحد.
- طاهری، شهنام (۱۳۷۶). توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران: نشر آوین.
- طیبیان، ابراهیم (۱۳۷۸). اقتصاد ایران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- کیت، گرینین (۱۳۸۲). راهبردهای توسعه اقتصادی، حسین راغفر، محمدحسین هاشمی، نشر نی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۹). جامعه شناسی توسعه روستایی، شیراز: انتشارات رز.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰). جامعه شناسی توسعه، تهران: دانشگاه پیام نور.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و احمد عبداللهی (۱۳۸۱). جامعه شناسی جهان سوم، شیراز؛ انتشارات نوید.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۲) توسعه اقتصادی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲). سالنامه آماری کشور، مرکز اطلاع‌رسانی.